



رویدادها

تنظیم: مهستی جنابی

سخنرانی‌های مؤسسه

سخنرانی بیستم

سخنران: دکتر باقر ساروخانی

سمت: استاد دانشگاه و عضو شورای پژوهشی مؤسسه

موضوع: نابرابری‌های اجتماعی و تأمین اجتماعی

زمان برگزاری: ۷ اردیبهشت ۱۳۸۰

دکتر ساروخانی در ارتباط با موضوع نابرابری‌های اجتماعی سخنرانی ایراد کرد که چکیده‌هایی از آن را در زیر ملاحظه می‌کنید.

برابری اجتماعی، رؤیای جاودان بشر و شعار اصلی بزرگترین انقلاب‌های تاریخ بوده است. مسئله برابری و برابرسازی انسانها میان دانشمندان نیز همیشه مطرح بوده است؛ چنانکه اندیشه‌های افلاطون، کامپانلا، توماس مور و ... همگی از نوع اتوپیا به شمار می‌رود. در مقابل همه اینها، نابرابری واقعیت جاودان تاریخ است. ریشه‌های نابرابری بین انسانها از عصر بزرگان اندیشه مثل روسو تا به امروز به کرات مورد بررسی قرار گرفته است. این پدیده را در نگرانی و گلایه هنرمندان بزرگی مانند حافظ نیز می‌بینیم که در برابر نابرابریها به قلندری، شیدایی، و عرفان روی آورده‌اند.

نابرابریها معیارهای خاصی مانند نژاد، جنسیت، و کاست دارند که از جمله مصادیق آن می‌توان به تبعیض نژادی در افریقای جنوبی اشاره کرد. برتری طلبی مردها نسبت به زنها در بسیاری از نقاط جهان، و جنسیت و کاست در این ارتباط با نجس‌های هند و ...

دنیای نابرابری نمی‌توانست قابل تداوم باشد و دنیای نو، فضای تازه‌ای را ایجاد می‌کرد. رسانه‌ها، این ابر بزرگراه‌های اطلاعاتی، از سویی، آرام آرام با بسط آگاهی، و از سوی دیگر، با نمایش برترها و توانمنداها، تجربه زنده نابرابری را به نمایش می‌گذارند. تبلیغات تجاری یکی از مصادیق تجربه‌های مزبور است. تکنولوژی نیز به بسط مازاد اقتصادی - اجتماعی و در نتیجه گسترش نابرابری وسعت بخشید. بنابراین، دنیا می‌بایستی تجربه‌های جدیدی احراز می‌کرد. تجربه‌هایی از قبیل تجربه کمونیسم شوروی و مائوئیسم چینی و در کشورهای سرمایه‌داری تجربه کشورهای اسکاندیناوی. نتیجه دو تجربه نخست بی‌انگیزه شدن انسانها نسبت به کار، کوشش، تحصیلات، احراز مسئولیت، و غیره بوده است.

تأمین اجتماعی نظام تازه‌ای در دنیا به وجود آورد که در آن سرمایه‌داری و سوسیالیسم به هم نزدیک می‌شوند (تئوری همگرایی). در این نظام، انسانها بر اثر کار، توان و استعدادشان نابرابر می‌مانند، اما در زمینه نیازهای اصلی به نوعی برابری دست پیدا می‌کنند. هرکس به اندازه کار خود از این صندوق برداشت خواهد کرد، بنابراین تأمین اجتماعی نظامی است که بر کار انسانها و مشارکت انسانها در حیات اجتماعی و تولید تکیه دارد. بیماری، حادثه، بیکاری و ... دیگر نگرانی جاودان بشر نیست؛ در درون این نظام، انسانها زیر چتر تأمین اجتماعی قرار می‌گیرند. معنای عدالت اجتماعی در پرتو تأمین اجتماعی این است: نه نابرابری مطلق، و نه برابری مطلق، بلکه پرداختن به هر انسان به هنگام نیازمندی. اما اصل بر خودکفایی انسانها، یعنی خروج آنها از زیر این چتر و ورود به دنیای کار و تولید است.

دکتر ساروخانی در پایان چنین نتیجه‌گیری کرد که جا دارد فرهنگ تأمین اجتماعی تبلیغ گردیده و این مقوله به صورت حق آحاد جامعه تلقی شود. چنانچه سازمان تأمین اجتماعی دچار آفاتی چون دیوانسالاری و کشمکش و نفوذ گروههای فشار شود، تا آنجا که خدمات آن بیش از توان جامعه باشد، خود باری بر دوش جامعه و عاملی در نابرابریها به حساب می‌آید و میان آنان که از تأمین اجتماعی برخوردارند و قشرهای وسیعی که فاقد آن هستند، شکافی وسیع پدید خواهد آمد.

سخنرانی بیست و یکم

سخنرانان: دکتر محمد زاهدی اصل، رئیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی /

دکتر عزت‌الله سام آرام، عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی /

دکتر غلامرضا علیزاده، عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

موضوع: تأمین اجتماعی و توسعه (از منظر جامعه‌شناسی کاربردی)

زمان برگزاری: ۷ خرداد ۱۳۸۰

در شروع این جلسه دکتر محمد زاهدی اصل اظهار داشت توسعه و تأمین اجتماعی با یکدیگر لازم و ملزومند. همان‌گونه که توسعه حاصل و نتیجه توجّه سیاست‌گذاری و سرمایه‌گذاری در بخش تأمین اجتماعی به معنی عام است، تأمین اجتماعی نیز به عنوان یکی از مشخصه‌ها و نتایج توسعه تلقی می‌شود. تأمین اجتماعی دارای دو مفهوم خاص و عام است. مفهوم خاص آن در قالب کلی نظام تأمین اجتماعی مطرح می‌شود و زمینه عام آن شامل تمامی مواردی می‌شود که در اصول مختلف قانون اساسی به عنوان حق همگانی مطرح شده‌اند. در بعد خاص، علاوه بر خدمات بیمه‌ای و حمایتی، ابعاد تازه‌ای مطرح شده است که مجموعه آنها، از طرف برنامه توسعه سازمان ملل با واژه زیبای "توسعه انسانی" نامگذاری شده است.

دکتر زاهدی اصل در ادامه افزود طبق گزارش سالهای ۱۹۹۴ و ۱۹۹۸ میلادی برنامه توسعه سازمان ملل، کشور ما در جدول توسعه انسانی حدود ۴ تا ۴/۵ درصد ارتقا پیدا کرده است، بدین معنا که در میان ۱۷۴ کشور جهان از ردیف ۸۶ به ردیف ۷۸ رسیده است. این رشد، این واقعیت تلخ را نیز نشان می‌دهد که ما هنوز با حدّ قابل قبول استانداردهای بین‌المللی فاصله‌ای بسیار داریم. اگرچه سازمان تأمین اجتماعی و سازمانهای بیمه‌ای دیگر، در بخش بیمه‌ای و سازمان بهزیستی در بخش حمایتی، و در کنار آن سازمانهای متعدد دیگر تلاشهای قابل تقدیری به عمل آورده‌اند، اما این فاصله پر نشده است. آیا برنامه سوم توسعه این نقصان را جبران خواهد کرد؟

سخنران، در ادامه، ضمن تشریح چگونگی تشکیل و تاریخچه سازمان تأمین اجتماعی به این

نکته اشاره کرد که مشکل اصلی نه مشکل منابع ریالی یا بودجه‌ای، بلکه مشکل اجرایی و مدیریتی؛ یعنی نبودن یک نظام اداری کارآمد است که بتواند این بودجه کلان را به‌جا و به شیوه‌ای مؤثر هزینه کند. در برنامه سوم، دولت موظف می‌شود یک نظام جامع تأمین اجتماعی و یک ساختار کارآمد در رابطه با تأمین اجتماعی ایجاد کند که بخش بیمه‌ای و بخش حمایتی را پوشش دهد، ولی متأسفانه همدلی و همراهی لازم در مجموعه‌ای که امروز در حوزه عام تأمین اجتماعی مسئولیت دارد، کمتر ملاحظه می‌شود.

دانشکده علوم اجتماعی می‌تواند با مجموعه اساتید و کادر پژوهشی خود برای تنظیم طرحی جامع در جهت رسیدن به نتیجه مطلوب در طول برنامه سوم در اختیار سازمان بهزیستی، سازمان تأمین اجتماعی، و سایر ارگانها و نهادهای ذی‌ربط قرار دهد. دکتر زاهدی اصل اظهار امیدواری کرد که مجموعه سازمانها و نهادهای اجرایی نظام تأمین اجتماعی با همکاری مراکز علمی و پژوهشی و با مساعدتهای هیئت محترم دولت و مجلس محترم قانونگذاری با تفاهم به یک نتیجه عمل برسند.

سپس دکتر عزت‌الله سام‌آرام به بحث در مورد ناآشنایی عمومی درباره خدمات تأمین اجتماعی پرداخت و در این راستا به تحقیقات و آمار به‌دست‌آمده توسط مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی استناد کرد. وی این ناآشنایی را عامل صدمه به توسعه جامعه دانست و توصیه کرد که به جای اطلاع‌رسانی، آموزش داده شود. به‌طور مثال اطلاعات کارگران بیشتر از اطلاعات آنها درباره بخش درمان قوانین و مقررات مربوط به بیمه‌بیکاری، بازنشستگی و فوت است. همچنانکه اعضای تعاونیها اغلب اطلاعی درباره مفهوم تعاون ندارند.

دکتر سام‌آرام اضافه کرد: چون قصد بر این است که وارد نظام جامع تأمین اجتماعی شویم و بدین منظور مشارکت سازمانهای دیگر ضروری است، این سازمانها باید زیر یک پوشش، یا حداقل تحت رهبری تخصصی یک شورای واحد قرار گیرند.

سخنران آنگاه به مسئله بیمه‌های بیکاری پرداخت و ضمن تأکید نقش سازمان تأمین اجتماعی و وزارت کار و امور اجتماعی در این موضوع متذکر شد که چون در کشورهای در حال توسعه هنوز این موضوع که یک نفر بیکار باشد و مقرری دریافت کند جا نیفتاده است، باید در این زمینه کار فرهنگی صورت گیرد.

سومین سخنران جلسه، **دکتر غلامرضا علیزاده** در سخنان خود خاطر نشان کرد که توسعه، اگر باید درون‌زا باشد، به تعبیری باید به صورتی پایدار به امکانات داخلی کشور متکی باشد، به این معنا که آن چه از طبیعت جامعه و هستی اجتماعی می‌گیرد، دوباره تولید کرده و به جامعه برگرداند؛ این فرایند توسعه پایدار نامیده می‌شود. دکتر علیزاده سپس توسعه اجتماعی را در سه بعد رفاه اجتماعی، مشارکتی و نقش مردمی و بعد فرهنگی- علمی مورد بررسی قرار داد.

در ادامه، نقش رفاه اجتماعی و در این راستا شاخصهای آن از جمله بالارفتن سن، سلامت کودکان، افزایش قدرت خرید، تغذیه، وضعیت مسکن، تسهیلات رفت و آمد، امکانات تفریحی، میزان اشتغال، بهبود شرایط کار، بهبود بهره‌وری، آموزش و ... مورد بررسی قرار گرفت. در بعد مشارکتی و نقش دموکراسی به افزایش تولید، توزیع و تصحیح قدرت در جامعه، آزادی انتخاب، بیان و نشر اندیشه، تصمیم‌گیری و تعیین سرنوشت توسط مردم، امکان جابه‌جایی و گردش نخبگان و گسترش تشکلهای صنفی، سندیکایی و اتحادیه‌ها، کوچک شدن دولت، قانونگرایی، افزایش ضریب امنیت سیاسی، تحقق واقعی دموکراسی اشاره شد و در بُعد فرهنگی و علمی به شاخصهایی مانند افزایش نسبت تعداد استاد به تعداد دانشجویان، افزایش توان ترویج و تولید علم و تکنولوژی، ریشه‌کنی بی‌سوادی، افزایش تولیدات فرهنگی و هنری در عرصه ملی و جهانی و افزایش امکان استفاده از وسایل ارتباط جمعی اشاره شد.

سخنران، ضمن تشریح نقش حمایتی و نظام بیمه‌ای تأمین اجتماعی، این نکته را نیز یادآوری کرد که در پرتو تأمین اجتماعی حفظ حداقل قدرت خرید در جامعه و افزایش بهره‌وری، موجب کاهش هزینه‌های تولید شده و به رقابت در تولید و ایجاد مزیت نسبی، که خود باعث افزایش صادرات غیرنفتی است، کمک می‌کند؛ افزایش صادرات غیرنفتی درآمد ارزی ایجاد می‌کند، درآمد ارزی بر درآمد ملی و درآمد سرانه اثر می‌گذارد و در مجموع توسعه اقتصادی شکل می‌گیرد.

دکتر علیزاده پیشنهاد کرد سازمان تأمین اجتماعی با کمک صندوق تعاون در صنایع کوچک و متوسط، در بخش کشاورزی و در بسیاری از طرحها و پروژه‌های موجود (در حدود ۲۰ هزار پروژه ناتمام) سرمایه‌گذاری کند تا با جلوگیری از خروج ثروت از کشور، و ایجاد اشتغال به حفظ ذخایر اصلی کشور کمک شود.